



بررسی اثربخشی آموزش عدالت ترمیمی در کاهش خسارات وارد بر بزه دیده

فریبا مشیرپور^۱

چکیده:

جرم و جنایت از دیرباز در جوامع بشری وجود داشته، و همواره به عنوان یک پدیده اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد و نتایج و پیامدهای منفی آن دامن‌گیر افراد و دولت‌ها و جوامع می‌شود. باید توجه داشت که با روند رو به رشد مجرمین و کثرت جمعیت زندانیان در زندان‌ها و تاثیرات و آثار منفی آن همچون هزینه‌های گزاف مالی و معنوی نگهداری این افراد در زندان‌ها و تاثیرات بسیار سوء بر جای مانده بر خانواده زندانیان باید در فکر و اندیشه کاهش تورم کیفی برآمد و راهکارهای مناسبی را در این زمینه جستجو کرد. عدالت ترمیمی قدم‌های مثبتی در این جهت برداشته است که اهداف آن مواجهه‌ی رودرروی بزهکار و بزه دیده می‌باشد، که یکی از آنها میانجیگری است تا این افراد از طریق مذاکره و گفتگو به سازش دست‌یابند. دیدارهای میان بزه دیدگان و بزهکاران و اعضای متاثر اجتماع روشی مناسب برای نشان دادن جنبه ارتباطی جرم و عدالت می‌باشد. در این زمینه روش‌هایی که در پی هم می‌آیند به عنوان معیارهای اساسی عدالت ترمیمی پذیرفته شده‌اند و هر کدام از

۱ - استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس

آنها می‌تواند محدود به هر یک از طرفینی باشد که به طور داوطلبانه شرکت می‌جویند. هدف کلی از عدالت ترمیمی یافتن راهی مناسب جهت رسیدن به جبران و ترمیم آسیب‌های وارده است تا بزه‌دیده را توانمند و قانع سازیم که به حالت اولیه خود یعنی قبل از وقوع جرم برگردد و چنان از وی دلجویی به عمل آید که آسیب‌هایش ترمیم شوند که بتواند به تنهایی و با اعتماد به نفس کامل مثل سابق در جامعه حضور بهم رساند و زندگی کند.

واژگان کلیدی:

جرم - تورم کیفری - خسارات - عدالت ترمیمی

مقدمه

تجربه ثابت کرده است که اعمال مجازات بر افراد ناقض هنجارهای جامعه، و حبس و تنبیه مجرمان نتوانسته است که جامعه امنی را فراهم آورد و همچنین عامل مهمی جهت باز دارندگی مجرم از تکرار جرم و بزه به شمار رود. مجرمین در طول زندگی‌شان زندان رفتن را تجربه کرده‌اند. ولی چه بسا هرگز فشارهای روانی که بزه‌دیده متوجه آن شده است هیچ گاه مورد توجه قرار نگرفته است و چه بسا مجرم و یا بزه‌کار نیز در صدد جبران آن برنیامده است. پس برخلاف عدالت استحقاقی و عدالت بازپرورانه که روی جرم و مجرم متمرکز شده‌اند عدالت ترمیمی در وهله اول خود خواهان اثربخشی بر روی کاهش خسارات وارده بر بزه‌دیده می‌باشد.

این دیدگاه رویکردی کاملاً متفاوت نسبت به رویکردی است که یا به دنبال ضمانت اجرای خاص برای جرائم خاص بوده یا در صدد تعیین مجازات‌های به منظور متعادل کردن شخصیت بزه‌کار است.

عدالت ترمیمی پاسخی پیشگیرانه است که سعی در مفهومی اجتماعی، شناختی از جرم ارائه دهد. لذا جامعه را بر آن وامی‌دارد تا علل مبنایی خشونت و جرم را بررسی کند تا بتواند چرخه خشونت را متوقف کنند. حامیان عدالت ترمیمی بر این باورند که این شکل از عدالت طی روندی که در آن با بزه‌کار برخورد می‌کند، خود را از سایر اشکال عدالت جدا می‌کند. عدالت ترمیمی به جای آنکه در پی اعمال مجازات یا بازپروری مجرم باشد بیشتر در صدد مشارکت دادن و آموزش دادن بزه‌کاران در جبران و ترمیم صدماتی است که از جرم ارتكابی آنها حاصل شده است.

امروزه انباشت پرونده‌ها، بالا رفتن آمار محکومین کیفری و تراکم زندان‌های کشور، باعث چاره‌اندیشی نظام قضایی کشور شده است.

بررسی نظام حقوقی اسلام و تمایل به کمرنگ‌تر کردن نقش قاضی در رفع موقعیت‌های تعارضی و تلاش در جهت دستیابی به راه‌حل‌های غیررسمی نماینگر ویژگی‌های خاص اسلام در جهت مردمی کردن و آموزش هنر حل اختلافات می‌باشد. از طریق ترغیب متداعیین به اتخاذ اقدامات داوطلبانه که خارج از گردونه رسیدگی‌های رسمی قضایی به حل و فصل دعاوی می‌پردازد دنبال شده است.

ترغیب به اصلاح امور از طریق میانجی‌گری خیرخواهانه که در مدارک فقهی و منابع اسلامی به نحو بسیار گسترده‌ای منعکس است زمینه‌های متنوعی را دربرمی‌گیرد. گرچه در ابتدا تا حدودی دل‌نگرانی‌هایی را برمی‌انگیزد اما بدون تردید یک اقدام اختیاری و یا تمهید امکانی که در آن بزهکار اراده‌ی خود را در ایجاد شرایطی که در راستای تامین اهداف کیفر است به نوعی دخالت می‌دهد تاثیری عمیق‌تر و مطمئن‌تر از اقدامات تحکیم‌آمیز قضایی که غالباً توأم با رنج و آلامی که با احساس عدم استحقاق در مجرم به همراه خواهد داشت.

تاکید بر اقدامات کدخدانمشی در فضایی به دور از فرآیند رسمی دادرسی‌های جزایی و پرهیز از کشمکش‌های خصمانه حقوقی و رفع داوطلبانه نزاع که می‌تواند متأثر از اندیشه‌های کیفرزدایی باشد در سیاست جنایی اسلام به صورت‌های متفاوتی منعکس شده است.

فارغ از مباحث قانونی، حقوق بشر در دنیا به سمت و سوی مصالحه و فاصله گرفتن از قصاص است. بنابراین رواج فرهنگ عفو باید در اولویت قرار داده شود و شاید ایران به عنوان کشوری اسلامی بتواند با آموزش‌های اثربخشی در این راستا گام‌های پرشتاب‌تری بردارد. و پرچمدار فرهنگ عفو در دنیا باشد. و گذشت را به عنوان یک اصل انسانی بیش از

پیش مورد توجه قرار دهد. شاکی از همان ابتدای رسیدگی حق گذشت دارد و قرآن نیز افراد را به گذشت و مصالحه دعوت کرده است و هر چند قصاص یک حق تلقی می‌شود اما رویکرد قرآن نیز عدم اجرای این حق است. و حتی توصیه‌های درباره قصاص رایگان شده به این معنا که در ازای عفو و گذشتی که صورت می‌گیرد، چیزی مطالبه نشود.

هدف مهم از بررسی و مطالعه در این مقاله دستیابی به نتایج مثبت و تجربیات استفاده از عدالت ترمیمی است تا بدین طریق تاثیرات موثر و مثبت آن را بر کاهش خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده شاهد باشیم.

روش به کار گرفته شده در این مقاله روش تحلیل و توصیفی و با استفاده از منابع موجود کتابخانه‌ای می‌باشد.

-تاریخچه عدالت ترمیمی:

در سال ۱۹۹۷ شخصی به نام آریانت (غلامی حسین، ۱۳۸۵: ۸) در آمریکا مقاله‌ای تحت عنوان «ترمیم، پارادیم نوین کیفی» در نشریه‌ای به نام Ethices منتشر کرد و با تشریح و تبیین عدالت ترمیمی برای اولین بار این اصطلاح را بکار برد. (سماواتی، ۱۳۸۵: ۹۷)

و همچنین این مطالب را بعدها «برایت ویت»^۲ استرالیایی در سال ۲۰۰۰ طی یک سخنرانی در طول نشست‌های مقدماتی سازمان ملل متحد در وین اتریش با عنوان «استانداردهای برای عدالت ترمیمی» بیان نمود. (فروزش، ۱۳۸۶: ۳۵) و با آنکه از عصر عدالت ترمیمی چیزی کمتر از ۲۰ سال می‌گذرد ولی نفوذ آن با سرعت قابل توجهی در سراسر جهان در حال گسترش است.

۲ -Bright white

کتابچه‌ی سازمان ملل متحد درباره‌ی عدالت برای بزه‌دیدگان نیز اشاره می‌کند که در چهارچوب عدالت ترمیمی بزهکار به بزه‌دیده و بقیه جامعه در تلاش برای پدید آوردن رویکردهای متعادل که معطوف به بزهکار و در عین حال متمرکز بر بزه‌دیده باشد مشارکت کنند. به هر حال جبران خسارت بزه‌دیده به نقش کلیدی عدالت ترمیمی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است.

اهداف عدالت ترمیمی

الف - اصالت روابط شخصی - در یک جرم ارتكابی بزهکار، بزه‌دیده، خانواده‌ی آنها و اجتماع از وقوع آن جرم متاثر شده و یکی از اهداف عالی عدالت ترمیمی بخش آموزش جبران همه این خسارات می‌باشد.

در مدل عدالت ترمیمی که هدف آن بیشتر ترمیم خسارات وارد شده با وقوع جرم است تا مجازات یا اصلاح مجرم. بنابراین از جهتی جنبه مشارکتی دارد که بزهکار، بزه‌دیده و جامعه محلی در حل فصل اختلافات کیفری و دستیابی به یک راه حل اجتماعی ترمیمی مشارکت دارند و مداخله و نقش یک جانبه‌ی قاضی در آن کمرنگ می‌باشد. آرمان عدالت ترمیمی در واقع درگیر کردن بزهکار و بزه‌دیده و حتی جامعه‌ی محلی است که در پی ارتكاب جرم، خصومت‌آمیز و تنش‌دار شده است و از جهتی داوطلبانه می‌باشد و بزهکار و بزه‌دیده و خویشان و بستگان به میل و اراده‌ی خویش در فرآیند رسیدگی حل و فصل اختلافات کیفری مشارکت می‌کنند.

طبیعتاً شخصی که از جرم متضرر شده، وضعیت و حالت جدیدی پیدا می‌کند و فرآیند جدیدی در زندگی‌اش آغاز خواهد شد. اینجاست که در واقع صحبت از طی طریق و همراهی و همدردی با بزه‌دیده مطرح می‌شود یعنی جامعه با قربانی و زیان‌دیده جرم در این شرایط

و حالت جدید همدلی و هم احساسی می‌کند، در درد و رنج‌های بزه‌دیده شریک و سهیم شود، به صحبت‌ها و دیدگاه‌های او توجه کند اینجاست که می‌توانیم با آموزش به پیشگیری بپردازیم.

در بعضی از کلانتری‌ها تحت عنوان دواير مددکاری اجتماعی و ارشاد ایجاد شده که قبل از اینکه افسر قضایی به شکایت رسیدگی کند به ویژه در جرایم قابل گذشت آنها را به این دواير ارجاع می‌دهند. در آنجا هدف در واقع کمک مشاور و مددکار است برای آنکه موقعیت بزه‌دیده را درک کنند و به نوعی از او دلجویی کنند که این خود نمونه اولیه‌ای است که ما آن را عدالت ترمیمی نامیدیم. در واقع عدالت ترمیمی ساز و کاری است برای تحقق این حق و سایر حقوق بزه‌دیده البته با کمک و مشارکت شخص میانجی، بزه‌دیده، بزه‌کار، خانواده‌ها و دوستان آنان، البته شایان ذکر است که در همه‌ی این موارد اقدام‌های برای کمک به بزه‌دیده نباید منجر به پایمال شدن حقوق متهم و کنارگذاری او از جامعه و لزوماً تشدید رفتار پلیسی و قضایی با وی شود.

ب- جبران - اهداف عدالت ترمیمی مبتنی بر جبران خسارات و درمان آلام و دردهای بزه دیده است تا اعمال خشونت و اکراه.

عدالت ترمیمی جایگاه بزه‌دیده را به بزه‌کار متذکر می‌شود. (محسن رهامی، ۱۳۸۵: ۷۴) که بزه‌کار علاوه بر اینکه با نقض قانون مواجهه شده بلکه باید نسبت به کسانی که به آنها ضرر و زیان نیز وارد کرده روبرو شود و نسبت به آنان احساس مسئولیت نماید. هر فرآیندی که در آن بزه‌دیده و بزه‌کار و در صورت لزوم هر فرد دیگر یا عضای جامعه تحت تاثیر بزه با یکدیگر فعالانه همکاری نمایند تا عموماً به کمک یک میانجی، مشاور، برای جبران خسارتهای وارده از بزه راه حلی بیابند فرآیند ترمیمی نامیده می‌شود. فرآیندهای ترمیمی

(restorative process) طراحی و الگوهای متفاوتی دارند اما وجه اشتراک همه‌ی آنها با یکدیگر از نظر ماهوی مشابه هستند در حالی که در عدالت سزا دهنده وجه اشتراک فرآیندهای متفاوت کیفی، ماهیت تنبیهی و سزادهنده بودن آنهاست ولی در تمام فرآیندهای ترمیمی بر یافتن روش مناسب برای جبران آسیب‌های ناشی از بزه و بازپذیری دوباره بزهکار تاکید می‌شود. (عباس شیری، ۱۳۸۵: ۱۶)

ج- تورم زدایی در رسیدگی قضایی - با مکانیسم عدالت ترمیمی، حجم پرونده‌ها ورودی و شکایات وارده به دستگاه قضایی کاهش می‌یابد و سرعت رسیدگی به سایر دعاوی افزایش خواهد یافت. حذف برخی عناوین مجرمانه با حذف عنوان مجرمانه از طیفی گسترده از تخلفات در حوزه‌های محیط زیست، امور پزشکی و بهداشتی، کار و امور اجتماعی، حمل و نقل و نظام مهندسی معدن و ساختمان حذف ضمانت اجرایی چون زندان، در عمل چنین تخلفاتی را از حوزه اعمال قوانین و مقررات کیفی و نیز از دایره صلاحیت مراجع قضایی خارج و تحت عنوان «تخلف» به آنها جنبه اداری، انضباطی و صنفی می‌دهد و با مشارکت مقامات اداری و اجرایی زیربسط و مداخله فعال یک مقام قضایی و اعمال ضمانت اجرایی چون جریمه نقدی، لغو پروانه فعالیت، محرومیت از برخی حقوق و امتیازات عمومی به مقابله با آنها می‌پردازد. در واقع مراد از این عملیات خارج کردن چنین پرونده‌های از گردونه اقدامات رسمی است.

این قطع و فصل ممکن است به شیوه‌های مختلفی انجام گیرد از قبیل: بازجویی پلیسی، میانجیگری، مصالحه و غیره.

نکته اساسی و مهم در این گونه اقدامات در برخی موارد خارج ساختن رسیدگی به دعاوی از مدار عدالت کیفری و حتی مداخله‌ی پلیس است یعنی قطع و فصل دعوا به وسیله‌ی بخشی اجتماعی (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۴)

نقش عدالت ترمیمی در بسیاری از جرایم به صورت میانجیگری و مشارکت بزه‌دیده و بزه‌کار و تقویت احساس ندامت در بزه‌کار می‌تواند از قضایی کردن ساز و کار و جبران و ترمیم آثار جرم و تورم قضایی جلوگیری نماید.

زمینه‌های کاربرد عدالت ترمیمی

از نگاه عدالت کیفری عدالت ترمیمی به جرائم کم‌اهمیت نگاه می‌کند و پاسخ آن به جرائم خفیف بوده است. و اما در جرایم مهم خشونت‌آمیز تروریستی، سازمان یافته و نظایر آن کماکان به عدالت سزادهنده احتیاج است و فرآیندهای ترمیمی در آن زمینه کارایی نداشته و منجر به افزایش بزهکاری در جامعه خواهند شد. اما در جرایم ساده و کم اهمیت که به طور عمده ناظر به نقض حقوق افراد است در ایران تلاش‌هایی در جهت استفاده از این فرآیندها در سال‌های اخیر انجام پذیرفته است. میزان موفقیت‌های این فرآیند مستلزم تقویت نهادهای مردمی و حس مسئولیت‌پذیری است. هم چنین لازم است شرایط فرهنگی مناسب جهت اجرای این فرآیندها فراهم شود زیرا در جوامعی که از نظر فرهنگی ضعیف هستند پاسخ‌های ملایم به بزه ممکن است به تشدید بزهکاری بینجامد. افزایش آگاهی عمومی، تبیین پیامدهای سوء بزه در جامعه، تاکید بر کرامت و ارزش ذاتی انسان، تقویت آموزه‌های اخلاقی و دینی موجب تقویت فرهنگ جامعه خواهد شد. در این صورت فرآیندهای ترمیمی جایگزین یا مکمل مناسبی برای فرآیندهای کیفری خواهد بود. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین ۸۳-۸۲: ۳۵)

الف- جرایم علیه اشخاص

در این دسته از جرائم است گذشت و عفو بزه‌دیده می‌تواند نقش مهمی در سرنوشت بزه‌کار و مجازات او داشته باشد. بنابراین در جرایم علیه اشخاص، آموزه‌های عدالت ترمیمی بر سایر سیاست‌ها غلبه دارد. لذا قواعد عام مجازات‌ها در خصوص تخفیف و تشدید مجازات، تعدد و تکرار جرم، مرور زمان و توبه‌ی مجرم در مجازات‌های مستوجب قصاص و دیات قابل اجرا نیست. زیرا منجر به تضييع حقوق بزه دیده می‌شود. (رهامی محسن، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

در نظام عدالت کیفری اسلام، نقش بزه‌دیده در جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص در مرحله اجرای مجازات نیز مانند مرحله تعقیب و صدور حکم، بسیار برجسته‌تر از سایر جرائم است و نظر به فلسفه ترمیم صدمات و خسارات وارده و حصول رضایت و گذشت شاکی، علی‌رغم اعتبار امر مختومه قضایی فرصت ایجاد صلح و سازش بعد از قطعیت حکم صادره را نیز فراهم می‌آورد. بنابراین محکوم علیه یا خانواده او اقدام به جلب رضایت بزه دیده یا وارث مقتول نمودند. و با پرداخت دیه یا مبالغی بیشتر از دیه مقرر قانونی یا کمتر از آن گذشت آنها را بدست آوردند. در این صورت اجرای مجازات قصاص منتفی خواهد شد. (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۲۷۴)

در جرایمی مانند زنای غیرمحصنه طرفین را به روش‌های ترمیمی و ایجاد گفت‌وگو بین دو طرف و یا میانجیگری فرد بی‌حاصل به نظر می‌رسد، زیرا در این گونه جرائم بزه‌دیده‌ای وجود ندارد و هر دو طرف با رضایت خود اقدام به این عمل کرده‌اند پس نباید جرایم را به عموم گسترش داد. حال آنکه مثلاً در دیه به عنوان خسارتی که بزه‌دیده در مقابل خسارت ناشی جرم می‌تواند دریافت کند، مذاکره بین طرفین می‌تواند کارساز باشد و با استفاده از راهکارهای عدالت ترمیمی قابل اعمال است هم چنان که در ماده ۴۸۸ در مورد تعیین زمان

پرداخت دیه است در تبصره ۱ تاخیر از مهلت‌های مذکور را به تراضی طرفیت مشروط کرده است لازمه تراضی طرفین نیز مذاکره و روبرو شدن طرفین است که خود از اصول حاکم بر عدالت ترمیمی است. دیه از دیگر مجازات‌هایی است که بزه‌دیده در آن نقش دارد. بنابراین دیه خسارتی است که بزه‌دیده بابت صدمات حاصل از ارتکاب جرم از بزه‌دیده مطالبه می‌کند و در کم کردن مبلغ آن یا گرفتن خسارات دیگر ناشی از جرم مثل هزینه‌های بیمارستان یا تاخیر از مهلت قانونی و... می‌توان از مذاکره و مصالحه بین طرفین دعوی استفاده کرد.

در اعدام (به خصوص از نوع قصاص) به جای بی‌توجهی به حس انتقام مجنی علیه به هدایت این حس به سمت و سوی صحیح پرداخته می‌شود؛ چرا که از یک سو، قانون اسلام به بزه دیده حق انتقام می‌دهد و از سوی دیگر، وی را به عفو و گذشت و مصالحه با بزه کار دعوت می‌نماید به همین دلیل قاضی، طبق آئین دادرسی کیفری، مکلف است ولی دم را به گذشت دعوت کند. این نحوه برخوردها که از نوع عدالت ترمیمی هستند، باعث تخفیف آثار مخرب جرم در جامعه خواهند شد.

ب- جرایم علیه اموال و مالکیت

در مورد اموال شریعت اسلام از روش‌های خاصی تبعیت کرده است چون علاوه بر اعاده نظم و امنیت به مساله‌ی جبران زیان وارده به زیان دیده نیز اشاره شده است. در این زمینه پذیرش تئوری سزادهی مجرم و بازدارندگی، شیوه عدالت ترمیمی نیز مورد توجه قرار گرفته است. زیرا اگر به عنوان مثال در جرم سرقت، سارق سریعاً اقدام به جلب گذشت شاکی ننماید و شکایت مالباخته وارد مرحله‌ی تعقیب قضایی شود، پس از آن گذشت

مالباخته موجب سقوط مجازات حد نخواهد شد. (محسن رهامی، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

در اجرای حد هم چنان که در ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی آمده است شرایطی لازم است که نقش بزه‌دیده را پررنگ می‌کند:

۱- صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند

۲- صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد

۳- صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد

۴- سارق مال را از راه خرید و مانند آن قبل از ثبوت جرم مالک نشده باشد

یعنی اینکه بزه‌دیده مال را به سارق نفروخته یا از راه‌های دیگر به مالکیت وی در نیاورده باشد. عدالت ترمیمی نیز در همه این مراحل می‌تواند نقش ایفا کند و خسارات ناشی از سرقت را جبران کند. بزه‌کار می‌تواند با کسب رضایت بزه‌دیده و جبران خسارت از مجازات سرقت در امان باشد. در واقع می‌توان گفت در این نوع عدالت ترمیمی مجازات سرقت به عنوان اهرمی است که بزه‌کار را به جبران خسارات وامی‌دارد و با نتیجه عمل خود روبرو می‌کند همچنان که اگر بزه‌کار از عمل خود پشیمان شده توبه کند نیز در رسیدگی به جرم نقش بسیاری دارد تا آنجا که با توبه سارق قبل از ثبوت جرم حد احرا نمی‌شود. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۲۳)

ج- جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

در جرایم علیه دین، نسل و عقل و امنیت، مجازات‌های سنگین وضع شده‌اند. اعدام مرتد، ساب النبی، سنگسار و یا اعدام زانی محصن و محصنه و نیز اعدام و صلب محارب و مفسد فی‌الارض نمونه‌ای از آنها می‌باشد. گذشت شاکی خصوصی در سقوط مجازات یا تخفیف و یا تبدیل آن به مجازات پایین‌تر نقش ندارد. هدف از این مجازات‌ها سزادهی است، نه بازدارندگی. زیرا مجازات‌هایی که با اصل بازدارندگی و ارباب تحمیل می‌شوند، تابع اصل

تناسب، دقت و پرده‌پوشی نیست و ارباب، مستلزم اعلام و علنی‌سازی است. بنابراین هدف از حدود نیز سزادهی می‌باشد. (داودی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۳۹)

با شبکه‌های باندى، هنجارشکن، جنایتکاران حرفه‌ای و جرائم سازمان یافته با قاطعیت و بدون کوچکترین ملاحظه‌ای برخورد نماید و اجازه ندهد تا زمینه این قبیل جنایات‌ها و رشد و پیدایش این گونه جنایتکاران بوجود آید و البته در این خصوص نیاز به قوانین کار آمد، آئین دادرسی موثر و جامع و کامل و از همه مهمتر به نیروهای انسانی کارآمد و کیفی و شایسته و ضابطین عدالت خواه و عدالت‌گستر و نیروی انتظامی تیزبین و فداکار نیازمند هستیم.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

در جامعه امروز توسعه عدالت ترمیمی می‌بایست محور همه فعالیت‌های پیشگیری اجتماعی قرار گیرد. پیشگیری از وقوع جرم پیش از اینکه کیفی باشد فرهنگی و اجتماعی است. عدالت ترمیمی به عنوان یک رشته مستقل مطالعاتی، دیدگاهی فراتر از یک مصالحه و آشتی در بین طرفین دعوی خواهد داشت. این بدین معناست که عدالت ترمیمی در جریان میانجیگری، بزه‌دیده و حمایت‌های لازم از وی را به مثابه‌ی یک اصل و کانون توجه خود قرار داده و چنین رویکردی به مفهوم عدالت نزدیکتر است. پس از وقوع جرم بزه‌دیده دچار نوعی ناامنی و پریشانی می‌گردد و این احساس در افراد و شرایط مختلف متفاوت می‌باشد. اگر قرار باشد نقش میانجی را کارکنان پلیس و نیروی انتظامی ایفاء نمایند باید ابتدا شخصیت بزه‌دیده و میزان تاثیر و اختلالی که بزه در آنها ایجاد کرده است تشخیص داده شود و در نهایت با ایجاد یک ارتباط چهره به چهره و مستقیم سعی در از بین بردن این ناامنی و هراس نمایند.

به طور کلی در کشور ما با عنایت به ازدحام و شلوغی کلانتری‌ها و پرونده‌های متعددی که در زمینه‌های گوناگون بررسی می‌شود فرصت مناسبی برای تامین امنیت بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های روحی و روانی آنها قاعدتا فراهم نمی‌شود.

در این شرایط به منظور کمک به بزه‌دیدگان ماموران که نقش میانجی را دارند نباید تحت هیچ شرایطی بزه‌دیده را جهت تصمیم‌گیری تحت فشار قرار دهند و حتی اگر متوجه می‌شوند که بزه‌دیده توسط اطرافیان جهت سازش تحت فشار قرار گرفته‌اند از وی حمایت‌های لازم را بنمایند.

ماموران میانجی در کلانتری‌ها در کشور ما باید در پرنده‌هایی که جهت سازش و فصل خصومت دارند توضیح دهند و به بزه‌دیده اطمینان دهند که هر موقعی که خواست حق انصراف از شرکت در این برنامه را دارد.

و از طرفی می‌تواند در تمامی این فرآیندها از مشورت‌ها و کمک‌های خانواده و کلامی خود برخوردار شود تا بدین طریق قدرت تصمیم‌گیری بزه‌دیده را تقویت نمایند. برای اینکه میانجیگری موفقیت‌آمیز باشد لازم است که میانجی فردی آموزش دیده و حرفه‌ای بوده و ضمناً از ادبیات مناسب استفاده نماید از طرفی میانجی باید ارزیابی دقیقی نسبت به خسارت‌های مالی و معنوی بزه‌دیده داشته باشد و ضمن گفتگو با طرفین و جلب رضایت بزه‌دیده و بزهکار شرایط پرداخت خسارات بزه‌دیده را فراهم نماید و پس از توافق باید نسبت به اجرای توافقات و پرداخت خسارت‌ها و هزینه‌ها پیگیری لازم را به عمل آورد و تمامی این موارد مستلزم وجود یک میانجی آموزش دیده متعهد و صبور می‌باشد.

باید توجه داشت که اهمیت و اجرای برنامه عدالت ترمیمی روز به روز بیشتر می‌شود. و اجرای این برنامه باعث کاهش تورم پرونده‌های کیفری قابل گذشت می‌باشد. مهمترین

سازمان در این راستا نیروی انتظامی می‌باشد زیرا تعامل و حضور پلیس از ابتدا تا انتهای پرونده‌ها از تمامی سازمان‌های دیگر بیشتر می‌باشد. به همین دلیل در تمامی جرایم قابل گذشت از جمله خواسته‌های مقامات قضایی از نیروهای انتظامی و کارکنان کلانتری سعی در صلح و سازش میان طرفین می‌باشد و در همین راستا به نظر می‌رسد که اجرایی نمودن پیشنهادات زیر شایان توجه است.

قراردادن واحدهای درسی در خصوص مبحث عدالت ترمیمی و حقوق بزه‌دیدگان و حمایت از آنها در دانشگاه‌های نیروی انتظامی و همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی در ضمن خدمت برای کارکنان نیروهای انتظامی و به ویژه کارکنان خدمات قضایی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها بکارگیری افراد تحصیل کرده و با تجربه در دایره خدمات قضایی و همچنین دادن اختیارات بیشتر به کارکنان کلانتری جهت میانجیگری و ایجاد صلح و سازش میان بزه‌دیده و بزه‌کار و استفاده از کارکنان صبور و علاقمند به برنامه‌های سازش و میانجیگری در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های نیروهای انتظامی و در نهایت وضع مقررات و آئین‌نامه‌های کارآمد و جدید در این زمینه و فراهم نمودن محیط و شرایطی در کلانتری‌ها که بزه‌دیده بدون هیچ گونه تهدید و اعمال فشاری و به صورت آزادانه در برنامه‌های میانجیگری شرکت نماید. و در نهایت می‌توان بیان داشت که حمایت از قربانیان جرم می‌تواند نقش اصلی را در کاهش پدیده‌های مجرمانه ایفاء کرده در تحقق عدالت کیفری، بازسازی شخصیت بزه‌دیده و تامین خسارت‌های مادی و معنوی وی تاثیرگذار باشد.

منابع:

- ۱- آشوری، محمد، (۱۳۸۴) حقوق جزای عمومی جلد دوم، نشر میزان، چاپ نهم
- ۲- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۱) بزه‌دیده در فرآیند کیفری، انتشارات خط سوم
- ۳- سماواتی، پیروز، (۱۳۸۵) عدالت ترمیمی یا تعدیل تدریجی کیفری یا تغییر آن، انتشارات

نگاه بینه

- ۴- علامه حلی، ابن منصور (۱۴۱۹) مختلف الشیعه، موسسه نشر اسلامی قم
- ۵- غلامی، حسین (۱۳۸۵) عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، تهران
- ۶- داودی گرمارودی، هما (۱۳۸۴) نقد گسترده دادگستری خصوصی در قانون مجازات اسلامی، فصلنامه ندای صادق
- ۷- رهامی، محسن (۱۳۸۵) زمینه‌ی عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، مجله حقوق و علوم سیاسی شماره ۷۴
- ۸- شیری، عباس (۱۳۸۵) فرآیندهای عدالت ترمیمی، مجله مطالعات پیشگیری از جرم
- ۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، تقریرات درس جرم شناسی دوره کارشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

There have been crimes in human societies since a long time ago and indeed, it has been considered as a social phenomenon. Its negative results affect both, individuals and government. According to the rising trend of offenders, overpopulation of prisoners and its negative effects such as high physical and moral cost to keep them in prisons and on the other hand, its adverse impressions on their families, a proper way and method must find to decrease the penal inflation and look for a proper solution in this case.

The restorative justice that its purpose is encountering victims and accused, has achieved the mentioned purposes successfully. Then, they reach to an agreement through conversation. The meeting between victims, accused and social affected members is an appreciate way to indicate the aspects of relation between crime & justice.

Accordingly, methods which have been followed consequently, have accepted as the main criterion of restorative justice. Each one can be limited to each parties who participate voluntarily.

The general purpose of restorative justice is looking for a proper way to reach adequate compensation and make up the damages to make victim feels strong and convince. It may help him/her to return to his initial state of egotism before the crime happens. In addition, have appeasement with him/her in order to amends all the occurred damages and help him to back to society with self-confidence such as before.

Key Words

Crime – Penal inflation – Damages – Restorative Justice